

کارکرد جمله‌های مرکب در بوستان سعدی

اکبر صیادکوه*، حسن دست‌موزه**

چکیده

افصح‌المتکلمین، سعدی شیرازی، از بزرگ‌ترین ارکان ادب پارسی است. بخشی از صیت و شهرت سعدی در گرو سعدی‌نامه یا همان بوستان است که از مثنوی‌های اخلاقی برجسته و باارزش حوزه زبان و ادب پارسی است. این کتاب بی‌مانند، زبان سخته و پیراسته‌ای دارد که نظر هر مخاطبی را به خود جلب می‌کند. این میزان از شایستگی در گرو شگردهای هنری و زبانی فراوانی است که شیخ اجل به کار بسته است. از ویژگی‌های دستوری آن، استفاده گسترده از جمله‌های مرکب است. در جمله‌های مرکب، به جای نقش‌های دستوری مفرد، جمله پیرو به کار می‌رود. جمله‌های پیرو از لحاظ معنا از مفردات غنی‌ترند؛ زیرا وجود فعل در آنها موجب انتقال مفهوم، وجه، زمان و شخص به مخاطب می‌شود که افزونی توصیف‌گری و تحرک و پویایی کلام را در پی دارد. در این پژوهش که کاملاً جنبه آماری دارد، ۱۱۰۰ بیت از بوستان را به عنوان جامعه آماری از متن برگزیده و از دیدگاه «کارکردهای جمله‌های مرکب» بررسی کرده‌ایم. مبانی نظری و تعاریف اصطلاحات را از دستور زبان فارسی، تألیف دکتر حسن انوری و دکتر حسن احمدی گیوی، برگرفته‌ایم. بر اساس مهم‌ترین نتایج به دست آمده، در بوستان کاربرد جمله‌های مرکب به مراتب بیش از جمله‌های ساده است؛ از میان آنها، جمله‌هایی که از پایه و یک پیرو ساخته شده‌اند، بسامد بیشتری دارند که معمولاً هر کدام در یک مصراع به کار می‌روند؛ در بیشتر جمله‌های مرکب، پایه بر پیرو مقدم شده است؛ جمله‌های پیرو بیشتر در نقش غیراصولی به کار رفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: زبان سعدی، بوستان، جمله مرکب، پایه، پیرو

مقدمه

از آغاز تا نیمه نخست قرن پنجم، شیوه شاعری و نویسندگی بر سادگی و بی‌تکلفی استوار بود و نویسندگان و شاعران، خود می‌خواستند یا ناگزیر بودند اندیشه‌های خود را به گونه‌ای بیان کنند که فهم آن دشوار نباشد. سیر طبیعی کلام نیز همین را می‌طلبد. دکتر شهیدی معتقد است که «منطق طبیعی این است که نویسنده یا گوینده از ساده‌نویسی و ساده‌گویی منحرف نگردد، جز آنکه سببی یا سبب‌هایی قوی پدید آید و به ضرورت، او از راه راست به راه دشوار و پریچ و خم درافتد» (شهیدی، ۱۳۷۲: ۳۹۶).

ak_sayad@yahoo.com.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

hsn.dastmouze@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (مسئول مکاتبات)

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۹

با گذشت زمان، به‌ویژه بعد از قرن پنجم، نظم و نثر از سادگی سرشتین دور می‌شود و آرایه‌های لفظی و معنوی فراوانی به آن راه می‌یابد. از این دوره به بعد شاعران و نویسندگان، دیگر مقصود خود را ساده بیان نمی‌کنند بلکه آن را می‌آرایند و در قالب لفظ‌های پیچ‌درپیچی می‌ریزند که فهم آن به آسانی برای همگان ممکن نیست. از این به بعد، در شعر و نثر، زبانی پدید می‌آید که فهم آن، مخاطبان خاصی را می‌طلبد. اما در قرن هفتم هجری که زمان یگه‌تازی ادبیات فنی بود، سعدی با شعر و نثر سحرانگیز خود انقلابی پدید آورد که پس از گذشت صدها سال، هنوز همگان بر استیلا بی‌چون‌وچرای او بر زبان و ادب فارسی صحه می‌گذارند. مرحوم یوسفی اعتقاد داشت: «هیچ شاعر و نویسنده‌ای در تاریخ زبان و ادبیات فارسی به اندازه سعدی بر زبان و طرز تعبیر و تحریر فارسی حکومت نداشته است» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۲۴۵). سعدی نه تنها در حوزه واژگان تحول ایجاد کرد، بلکه ساختار کلام را نیز دگرگون کرد و شعر را به زبان توده مردم و زبان عامیانه پیوند داد. «آنچه سبب شد تا سعدی شاعر و نویسنده به موقعیت شگفت‌آورش در قلمرو زبان فارسی برسد، در درجه نخست غنای زبان او در پرتو انواع ادبی رنگارنگش بود. زبان سعدی آمیزه‌ای بود از زبان رسمی و زبان ادبی رایج و به همگانی شدن ادب فارسی در ایران و کشورهای پیرامون یاری رساند» (عابدی، ۱۳۹۱: ۳۴).

از میان آثار سعدی، بوستان یک استثناست. شاید فهم همگان برای دریافت لطافت غزل‌ها کافی نباشد یا علاقه چندانی به قصاید نشان ندهند، اما حکایت پیوند مردم با بوستان، حکایت دیگری است. هرچند ممکن است در تعداد معدودی از حکایت‌ها، واژگانی هم وجود داشته باشد که همگان معنای آن را نفهمند، «دامنه کلام و معنی در بوستان آن قدر وسیع است که ندانستن دوسه لغت مانع برخورداری مخاطبان نمی‌شود» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹: ۱۹۲). در بوستان، مخاطب سعدی همه قشرهای مردم است؛ به همین دلیل، بیان آن از کلام تفاخر آمیز شاعران هم عصر وی تا حدی تهی است.

به‌راستی دشوارترین زبان برای سرودن شعر زبان ساده است. اگر شاعری برای بیان اندیشه‌های شاعرانه خود این‌گونه از زبان را برگزیند، سخت‌ترین نوع زبان را برگزیده است. به‌خصوص اینکه ناگزیر است وزن عروضی، یکسانی طول مصراع‌ها و ردیف و قافیه را نیز رعایت کند. مهم‌ترین عامل روانی کلام و گیرایی سخن، چگونگی چینش واژگان در ساختار نحوی جمله‌هاست. چیرگی سعدی بر نهفته‌های زبان فارسی، انعطاف شگفت‌انگیز کلام او تا حد فهم عوام، پایبندی وی در بسیاری از موارد به شکل مستقیم ارکان نحوی، فشردگی‌ها و گستردگی‌های هنری و دلایل متعدد دیگر، از رازهای صدرنشینی او در برخی از حوزه‌های هنری و زبانی است. برای درک زیبایی‌های زبان سعدی، راهی جز بررسی دقیق علمی آثار او نیست؛ نگارندگان از میان موضوعات متفاوت و متنوع پژوهشی بر روی آثار سعدی، در پی آن برآمدند تا بوستان را از جنبه کارکرد «جمله‌های مرکب» بررسی کنند و در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش برآیند که کارکرد و نحوه استفاده از جمله‌های مرکب در بوستان چگونه است. افزون بر این پرسش اصلی، پرسش‌های دیگری نیز به ذهن متبادر شد؛ همچون:

- نسبت کاربرد جمله‌های مرکب به جمله‌های ساده در بوستان چگونه است؟

- جمله‌های پیرو در بوستان چگونه به کار رفته‌اند؟

- در جمله‌های مرکب بوستان، پیرو بیش‌تر مقدم شده است یا پایه؟

- جمله‌های پیرو، بیشتر در کدام نقش نحوی جمله پایه آمده‌اند؟

- نحوه کاربرد جمله‌های مرکب و ساده در کنار هم در یک بیت، چگونه است؟

- آیا کاربرد جمله‌های مرکب و ساده در مقدمه با بخش‌های دیگر بوستان یکسان است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، راهی جز بررسی موشکافانه و جزئی‌نگرانه و کمک گرفتن از آمار و ارقام نیست. بدین منظور، دلیل تقریباً یک‌چهارم از بیت‌های بوستان را به عنوان جامعه آماری خود برگزیدیم و آنها را از نظر ساختار جمله‌های مرکب و نحوه کاربرد آنها بررسی و نتایج را در قلب آمار و ارقام با کمی تحلیل ارائه کرده‌ایم.

هر چند بهتر آن بود که کل بوستان بررسی می‌شد، اما چون ممکن بود حجم زیاد از دقت نظر بکاهد، ۱۰۰۰ بیت را که تقریباً یک چهارم کل بوستان است، به عنوان جامعه آماری برگزیدیم. برای اینکه این پژوهش، شکلی علمی به خود بگیرد، با توجه به اینکه مضمون‌ها بر ساختار جمله‌ها تأثیر می‌گذارند، جامعه آماری خود را از بخش‌های مختلف برگزیدیم. بدین منظور، از مقدمه و هر یک از باب‌ها، ۱۰۰ بیت بدین ترتیب برگزیدیم: ۱۰۰ بیت نخست مقدمه، ۱۰۰ بیت اول باب اول، ۱۰۰ بیت دوم باب دوم، ۱۰۰ بیت سوم باب سوم، ۱۰۰ بیت چهارم باب چهارم، ۱۰۰ پنجم باب پنجم، ۱۰۰ بیت دوم باب ششم، ۱۰۰ بیت سوم باب هفتم، ۱۰۰ بیت اول باب هشتم، ۱۰۰ بیت دوم باب نهم و همه بیت‌های باب دهم.

برای ترسیم الگوهای مختلف جمله‌های مرکب و تطبیق ابیات بوستان سعدی با آن، دستور زبان فارسی تألیف دکتر حسن انوری و دکتر حسن احمدی گیوی را برگزیدیم و پایه پژوهش خود را بر این کتاب ارزشمند نهادیم. البته در مواردی نیز به آثار استادان برجسته‌ای چون خانلری، فرشیدورد و خیامپور مراجعه کردیم و از آن بهره بردیم. پس از تعیین نوع جمله‌ها و تطبیق آن با الگوها، نتایج را در نمودارهایی نشان دادیم. پس از آن با دقت در نمودارها که بیشتر آنها به شکل مقایسه‌ای و گاه به صورت درصدی این داده‌ها را نشان می‌دهند، با توجه به اهداف این پژوهش، اطلاعات به دست آمده از نمودارها و جدول‌ها را تجزیه و تحلیل و نتایج به دست آمده را ارائه کردیم.

۱- جمله ساده، مرکب، پایه و پیرو

جمله از حیث ساختمان دو گونه است: ساده، مرکب (آمیخته)

جمله ساده جمله‌ای است که در آن تنها یک فعل به کار رفته باشد.

جمله مرکب، جمله‌ای است که در آن بیش از یک فعل به کار رفته باشد.

جمله پایه آن قسمت از جمله مرکب است که غالباً غرض اصلی گوینده با نویسنده را در بردارد و قابل تأویل به غیرجمله نیست.

جمله پیرو، آن جزء از جمله مرکب است که همراه جمله پایه می‌آید و وابسته پایه است یعنی مفهومی از قبیل زمان، شرط، علت و جز آن را به مفهوم جمله پایه می‌افزاید و قابل تأویل به مصدر یا صفت است (انوری - گیوی، ۱۳۷۸: ۳۰۹)

۲- چگونگی کاربرد جمله‌های مرکب در بوستان

در ابیاتی که بررسی کردیم، به جز در موارد معدود که به آن نیز پرداخته خواهد شد، بسامد جمله‌های مرکب بسیار بیشتر از جمله‌های ساده بود. تنوع و فراوانی این جمله‌ها به حدی است که می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های سبکی شعر سعدی در بوستان، استفاده وسیع و متنوع از جمله‌های مرکب است. برای بررسی دقیق‌تر و تعیین بسامد جمله‌های مرکب، بیت‌هایی را که در آنها جمله‌های مرکب به کار رفته‌اند، به پنج گروه تقسیم کرده‌ایم:

۱-۲- بیت‌هایی که فقط از یک جمله مرکب تشکیل شده‌اند؛

۲-۲- بیت‌هایی که از دو جمله مرکب تشکیل شده‌اند؛

۳-۲- بیت‌هایی که در آنها جمله مرکب در کنار جمله هم‌پایه آمده‌اند؛

۴-۲- بیت‌هایی که از جمله مرکب و شبه جمله، تشکیل شده‌اند؛

۱- «جمله مرکب پیوسته یا همسانی به جمله‌هایی گفته می‌شود که از جمله‌ها و نیمه‌جمله‌های همسان به وجود آمده باشند؛ یعنی از جمله‌هایی که هم نقش یکدیگرند حاصل شده‌اند؛ مانند فرهاد هم کار می‌کند و هم درس می‌خواند» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۹۶).

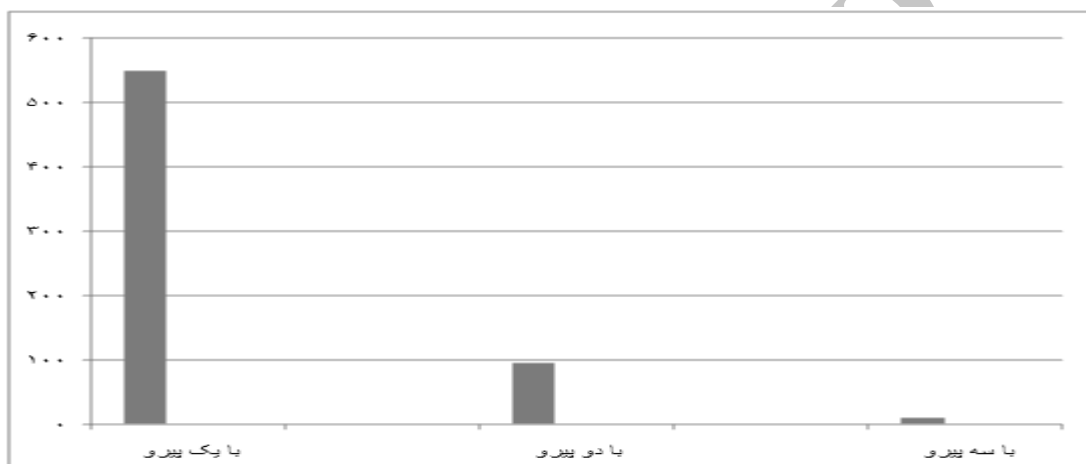
۲-۵- بیت‌هایی که در آنها جمله مرکب، در کنار جمله ساده آمده‌اند.

۲-۱- بیت‌های تشکیل شده از یک جمله مرکب

در این قسمت، ما تنها بیت‌هایی را که از یک جمله مرکب تشکیل شده‌اند بررسی کرده‌ایم. بیت‌هایی که از دو جمله مرکب تشکیل شده‌اند یا جمله مرکب و جمله هم‌پایه در کنار هم آمده‌است یا جمله مرکب در کنار شبه‌جمله آمده است، در بخش‌های بعد بررسی خواهیم کرد.

در میان ۱۱۰۰ بیت جامعه آماری ما، ۶۵۵ بیت وجود دارد که تنها از یک جمله مرکب تشکیل شده است. به بیانی دیگر، ۶۰ درصد از بیت‌های بوستان تنها از یک جمله مرکب تشکیل شده است.

جمله‌های مرکب از یک جمله پایه و یک یا چند جمله پیرو تشکیل می‌شوند. در این بخش، جمله‌های مرکب را از نظر تعداد جمله‌های پیرو در سه گروه جمله مرکب با یک پیرو، جمله مرکب با دو پیرو و جمله مرکب با سه پیرو، قرار دادیم. نمودار زیر بسامد بیت‌های تشکیل شده از یک جمله مرکب را با توجه به تعداد جمله پیرو نشان می‌دهد.



نمودار (۱) بسامد جمله‌های مرکب تعداد پیرو

با دقت در این نمودار می‌توان پی برد که در بوستان جمله‌های مرکبی که از یک پایه و یک پیرو تشکیل شده‌اند بسیار بیشتر از جمله‌های مرکب با دو و سه پیرو هستند.

بیت‌هایی را که فقط از یک جمله مرکب تشکیل شده‌اند، با توجه به تعداد جمله پیرو، به سه گروه تقسیم می‌کنیم:

۲-۱-۱- جمله مرکب با یک پیرو

۲-۱-۲- جمله مرکب با دو پیرو

۲-۱-۳- جمله مرکب با سه پیرو

۲-۱-۱- جمله‌های مرکب با یک پیرو

جمله‌های مرکبی که از یک پایه و یک پیرو تشکیل شده‌اند، پیرو نسبت به پایه می‌توانند به دو حالت داشته باشند:

۲-۱-۱-۱- پایه مقدم بر پیرو «پایه + پیرو»

۲-۱-۱-۲- پیرو مقدم بر پایه «پیرو + پایه»

۲-۱-۱-۳- پایه + پیرو

به این الگو که جمله پایه پیش از پیرو می‌آید، پیروهای پسین گفته می‌شود (فرشیدورد، ۱۳۷۸:۳۰۷). در این گونه بیت‌ها، ابتدا

جمله پایه و پس از آن جمله پیرو به کار رفته است. از میان ۵۵۰ بیت تشکیل شده از جمله‌های مرکب وابسته با یک پیرو، در ۳۴۲

بیت جمله پایه بر پیرو مقدم شده است. این تعداد، ۶۲/۲ درصد از کل این بیت‌هاست؛ مانند این بیت:

که گبرست پیر تبه بوده حال
(۱۱۷۴)^۱

بدانست پیغمبر نیک‌فـال

یا این بیت:

که پرمعده باشد ز حکمت تهی
(۲۷۲۴)

ندارند تن‌پروران آگـهی

همچنین بیت:

چو بیند سرپنجهٔ عقل، تیز
(۲۸۸۲)

هوا و هوس را نماند ستیز

۲-۱-۱-۲- پایه + پیرو

این الگو را پیرو پیشین می‌نامند (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۳۰۶). از میان ۵۵۰ بیتی که از جملهٔ مرکب با یک پیرو تشکیل شده است، در ۲۰۸ بیت پیرو بر پایه مقدم شده است، این تعداد، ۳۷/۸ درصد از کل بیت‌هایی است که تنها از یک جملهٔ مرکب با یک پیرو، تشکیل شده‌اند؛ مانند این بیت:

به شمشیر تدبیرِ خـونش بریز
(۱۰۸۴)

اگر دشمنی پیش گیرد ستیز

و این بیت:

کجا ماند آسایش بخردان
(۲۸۸۰)

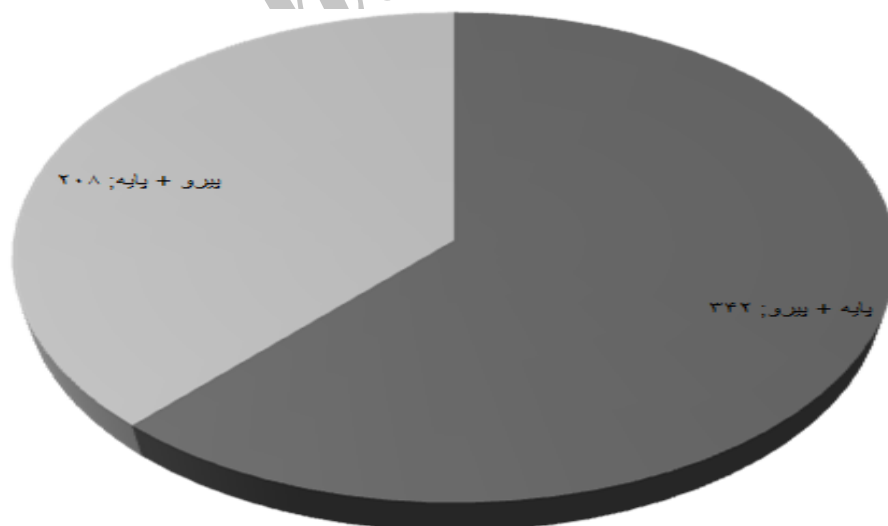
چو سلطان عنایت کند با بدان

یا:

به مهر آسمانش به عیوق برد
(۲۳۵۰)

چو شبنم بیفتاد مسکین و خُرد

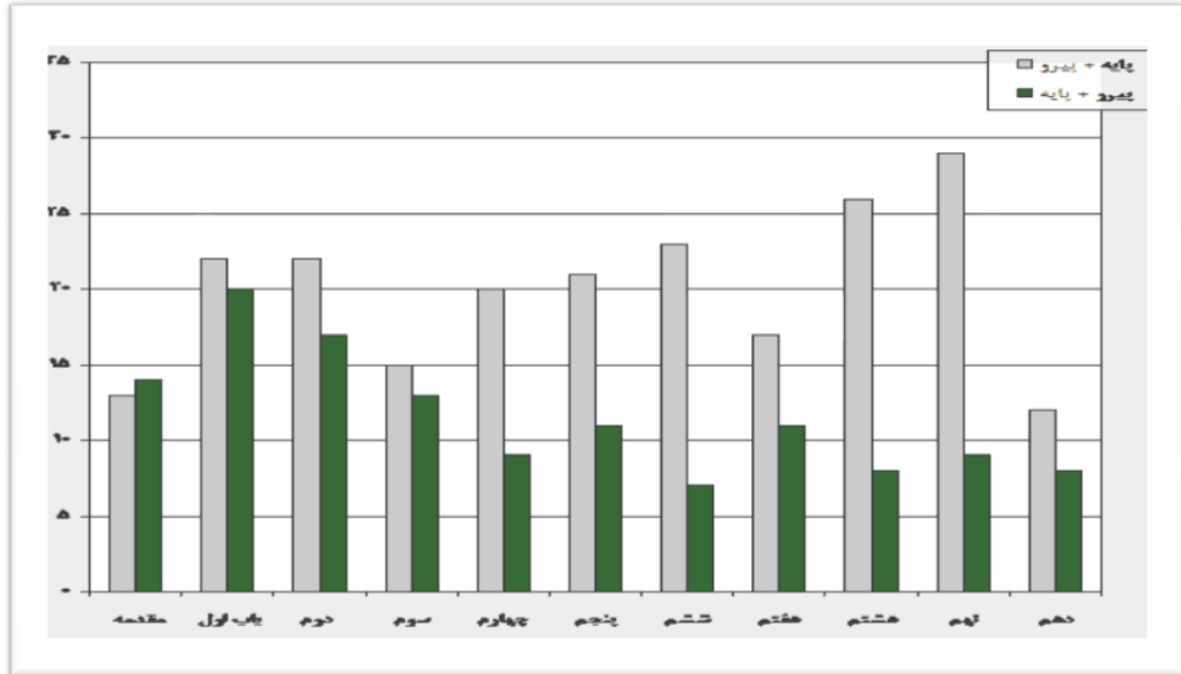
در نمودار زیر، نسبت کاربرد جملهٔ مرکب پایه + پیرو با پیرو + پایه، نشان داده شده است:



نمودار (۲) مقایسه فراوانی جملهٔ مرکب «پایه + پیرو» با «پیرو + پایه»

۲- همهٔ بیت‌هایی که در این مقاله شاهد آورده می‌شود، برگرفته از بوستان سعدی به تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۲ و عدد داخل پرانتز نشان‌دهندهٔ شمارهٔ آن بیت است.

در هیچ‌یک از کتاب‌های دستوری اشاره نشده است که کاربرد کدام یک از این دو الگودر زبان بیشتر است، اما به آمار کاربرد آنها در بوستان که می‌نگریم، این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا شیخ اجل از ترکیب الگوی «پایه + پیرو» به میزان قابل‌توجهی بیشتر از «پیرو + پایه» استفاده کرده است. برای بررسی دقیق‌تر، در نمودار زیر بسامد کاربرد بیت‌های تشکیل‌شده از این دو الگو را در هر باب با هم مقایسه کرده‌ایم.



نمودار (۳) نسبت جمله‌های پایه + پیرو به پیرو + پایه به تفکیک باب

با تأمل در این جدول درمی‌یابیم که تنها در مقدمه که بیشتر حاوی موضوعات کلی، مناجات‌ها و نعت‌هاست، تعداد بیت‌هایی که جمله پیرو بر پایه مقدم شده بیشتر است؛ اما در تمامی باب‌ها به نسبت قابل‌توجهی تعداد بیت‌هایی که جمله پایه بر پیرو مقدم گردیده بیشتر است، که این تفاوت در میزان کاربرد آنها معنادار است. در مجموع، تعداد بیت‌هایی که طبق الگوی «پایه + پیرو» ساخته شده‌اند، از بیت‌هایی که با الگوی «پیرو + پایه» ساخته شده‌اند، بسیار بیشتر است.

علاقه سعدی به مقدم کردن پایه بر پیرو بسیار مشهود است. شاید یکی از دلایل آن، تفاوت تأثیر روانی هر کدام از این دو الگو باشد؛ برای مثال، برای تشویق کسی به تلاش بیشتر، به دو شکل می‌توانیم به او توصیه کنیم. گاهی به او می‌گوییم: «تو اگر تلاش کنی، حتماً موفق می‌شوی». گاهی همین معنا را در قالب این عبارت می‌ریزیم: «تو حتماً موفق می‌شوی، اگر تلاش کنی». در هر دو جمله معنا منتقل می‌شود اما این دو جمله تأثیر روانی یکسانی ندارند. بدون شک، عبارت دوم حس موفقیت‌طلبی را در شنونده بر می‌انگیزد و موجب ایجاد انگیزه بیشتری در وی می‌شود. وانگهی اعتقاد مخاطب به عبارت دوم بیشتر از عبارت اول است؛ زیرا عبارت اول با جمله «شرط» شروع شده است، در حالی که عبارت دوم با «نتیجه شرط».

نکته قابل‌تأمل در جمله مرکب با یک پیرو این است که در بیشتر موارد، این بیت‌ها را به دو بخش مجزا تقسیم شده‌اند و هر جمله «پایه یا پیرو» در یک مصراع آمده‌اند. به نظر می‌رسد سعدی تمایل دارد مصراع را واحد کلام قرار دهد؛ به طوری که هر مصراع با یک جمله پایه یا پیرو شروع شود و با همان جمله پایان می‌یابد؛ مانند بیت:

کسی گوی دولت ز دنیا برد / که با خود نصیبی به عقبی برد

(۱۱۳۳)

همچنین در بیت:

اگر جز به حق می‌رود جاده‌ات در آتش فشانند سجاده‌ات
(۲۶۶۹)

یا:

گر از برج معنی پرد طیر او فشرشته فروماند از سیر او
(۱۹۱۴)

در بوستان بیت‌هایی که جمله‌های پایه و پیرو در دو مصراع پراکنده‌اند، بدین صورت که جمله پایه یا پیرو از مصراع اول شروع شده باشد و در مصراع دوم به پایان می‌رسد، بسیار اندک است؛ مانند بیت:

غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش
(۱۱۸)

که جمله پیرو از مصراع اول شروع شده و در مصراع دوم به پایان رسیده است. همچنین بیت:

بسی تیر و دیمه و اردیبهشت بیاید که ما خاک باشیم و خشت
(۳۶۸۵)

که جمله پایه «بسی تیر و دیمه و اردیبهشت بیاید» از مصراع اول شروع شده و در مصراع دوم به پایان رسیده است. در جدول زیر، بیت‌هایی گروه اول (بیت‌هایی که هر جمله پایه یا پیرو در یک مصراع آمده‌اند) را با گروه دوم (بیت‌هایی که جمله‌های پایه و پیرو در دو مصراع پراکنده‌اند) مقایسه کرده‌ایم.



نمودار (۴) مقایسه جمله‌واره متمرکز در یک مصراع با جمله‌واره‌های پراکنده در دو مصراع

از میان ۵۵۰ بیتی که از یک جمله مرکب با یک پیرو تشکیل شده‌اند، در ۵۲۴ بیت، هر جمله پایه یا پیرو در یک مصراع به کار رفته است و فقط در ۲۶ بیت، اجزای جمله پایه و پیرو در دو مصراع پراکنده است.

از این نمودار می‌توان نتیجه گرفت که سعدی به‌خصوص آن گاه که از جمله‌های مرکب با یک پیرو استفاده می‌کند، همواره سعی دارد که کلام خود را بسیار منظم و دقیق به دو بخش تقسیم کند و هر جمله پایه یا پیرو را در یک مصراع بنشانند. بیش از ۹۵ درصد از بیت‌های تشکیل شده از جمله مرکب با یک پیرو از این گونه‌اند. شاید این شگرد از مصداق‌ها و نکته‌هایی باشد که سعدی پژوهان از آن به سهل ممتنع یاد کرده‌اند.

۲-۱-۲- جمله‌های مرکب بادو پیرو

گاهی جمله مرکب بیش از یک پیرو دارد، مانند «وقتی که از سفر برگشت، به دیدنش برو؛ زیرا تو را دوست دارد» که جمله

پایه «به دیدنش برو» یک پیرو پیشین دارد و یک پیرو پسین (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۳۰۶).

در جامعه آماری ما، ۹۵ بیت وجود دارد که در آنها جمله‌های مرکب با دو پیرو به کار رفته‌اند؛ مانند:

اگر قیمتی گوهری، غم مدار که ضایع نگرداندت روزگار

(۲۸۴۷)

که «غم مدار» جمله پایه و «گر قیمتی گوهری» و «که ضایع نگرداندت روزگار» جمله پایه هستند.

این بیت‌ها را با توجه به محل قرار گرفتن جمله پایه، به سه دسته تقسیم کرده‌ایم.

۱-۲-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از جمله مرکب با پایه و دو پیرو پسین (پایه + پیرو + پیرو)

۲-۲-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از جمله مرکب با پایه و یک پیرو پیشین و یک پیرو پسین (پیرو + پایه + پیرو)

۳-۲-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از جمله مرکب با پایه و دو پیرو پیشین (پیرو + پیرو + پایه)

۱-۲-۱-۲- بیت تشکیل شده از پایه با دو پیرو پسین (پایه + پیرو + پیرو)

در این گونه بیت‌ها، نخست جمله پایه می‌آید و پس از آن دو جمله پیرو می‌آیند؛ مانند بیت:

بزرگی رساند به محتاج خیر که ترسد که محتاج گردد به غیر

(۱۱۳۸)

همچنین بیت:

مپندار اگر سِفله قارون شود که طبع لئیمش دگرگون شود

(۲۸۴۰)

یا:

بـخواری براندش چو بیگانه دید که منکر بود پیش پاکان پلید

(۱۱۷۵)

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، سعدی علاقه فراوانی دارد که جمله پایه را پیش از پیرو بیاورد. در جمله‌های مرکب با دو پیرو نیز کاربرد الگوی «پایه + پیرو + پیرو» از دو الگوی دیگر بیشتر است.

از ۹۵ بیت مورد بحث ما، ۴۸ بیت طبق این الگو هستند. این تعداد بیش از ۵۰ درصد از کل بیت‌هایی است که از یک جمله مرکب با دو پیرو تشکیل شده‌اند. دلیل کاربرد بیشتر این گونه بیت‌ها نسبت به دو الگوی دیگر این است که در این الگو جمله پایه بر پیرو مقدم شده است، که مورد علاقه شیخ اجل است.

۱-۲-۲-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از پایه با یک پیرو پیشین و یک پیرو پسین (پیرو + پایه + پیرو)

گاهی در برخی از بیت‌هایی که یک جمله مرکب وابسته با دو پیرو به کار رفته است، یک جمله‌واره پیرو پیش از پایه و یک جمله‌واره پیرو پس از پایه می‌آید و جمله‌واره پایه در میان دو پیرو قرار می‌گیرد؛ مانند این بیت:

چو از گلبنی دیده باشی خوشی روا باشد ار بار خارش کشی

(۳۱۵۲)

«روا باشد» جمله پایه است که در میان دو جمله پیرو «چو از گلبنی دیده باشی خوشی» و «ار بار خارش کشی» آمده است.

یا:

همه هرچه هستند از آن کمترند که با هستیش نام هستی برند

(۱۸۵۶)

در میان ۹۵ بیت یادشده، ۳۳ بیت، یعنی ۳۴/۷ درصد از بیت‌های این بخش، طبق الگوی فوق است.

۲-۱-۳- پایه با دو پیرو پیشین (پیرو + پیرو + پایه):

برخی از بیت‌هایی که از جمله مرکب با دو پیرو ساخته شده‌اند، نخست دو جمله پیرو و پس از آن جمله پایه آمده است؛ مانند این بیت:

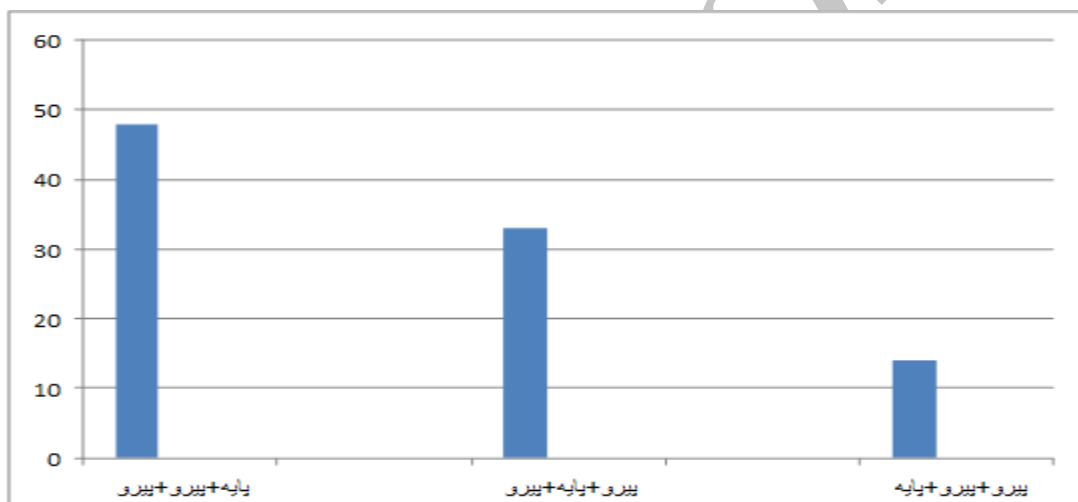
اگر هر چه یابی به کف بر نهی گفّت وقت حاجت بماند تهی
(۱۲۱۹)

که «اگر هر چه یابی» و «به کف بر نهی» جمله پایه و «گفّت وقت حاجت بماند تهی» جمله پیرو است. همچنین بیت:

شتر را چو شور طرب در سرست اگر آدمی را نباشد خرست
(۱۹۲۰)

از ۹۵ بیت مورد نظر، ۱۴ بیت، یعنی ۱۴/۷ درصد از بیت‌های این بخش، طبق این الگو است.

نمودار زیر بسامد این سه الگو را در بوستان نشان می‌دهد.



نمودار (۵) بسامد بیت‌های تشکیل شده از جمله مرکب وابسته با دو پیرو

در جامعه آماری ۱۱۰۰ بیتی، ۵۵۰ بیت وجود دارد که تنها از جمله مرکب تشکیل شده است. از این تعداد، ۹۵ بیت، پایه همراه با دو پیرو آمده است که این تعداد تقریباً ۱۷ درصد از کل بیت‌هایی است که از جمله‌های مرکب تشکیل شده‌اند.

۴۸ مورد از بیت‌های یادشده طبق الگوی اول (پایه + پیرو + پیرو)، ۳۳ بیت طبق الگوی دوم (پیرو + پایه + پیرو) و ۱۴ بیت دیگر، مطابق با الگوی سوم (پیرو+پیرو + پایه) است.

۲-۱-۳- جمله‌های مرکب با سه پیرو

در بوستان بیت‌هایی که از یک جمله وابسته با سه پیرو ساخته شده است، بسیار انگشت شمارند. به کار بردن سه جمله پیرو همراه با یک پایه در یک بیت، جمله را طولانی، هم مفهوم کلام را دیرپاب می‌کند.

در جامعه آماری این پژوهش، تنها ۹ جمله مرکب با سه پیرو وجود داشت. این تعداد کمتر از ۱ درصد از جامعه آماری ماست.

در بوستان، بیت‌هایی که از یک جمله مرکب با سه پیرو تشکیل شده‌اند، با توجه با محل قرار گرفتن جمله‌های پیرو، در دو

حالت آمده‌اند:

۱-۳-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از پایه با سه پیرو پسین (پایه + پیرو + پیرو + پیرو)

۲-۳-۱-۲- بیت‌های تشکیل شده از پایه با دو پیرو پیشین و یک پیرو پسین (پیرو + پیرو + پایه + پیرو)

۲-۳-۱-۲- پایه همراه با سه پیرو پسین (پایه + پیرو + پیرو + پیرو)

از میان ۹ بیت یادشده، ۵ بیت آن طبق الگوی اول یعنی پایه همراه با سه پیرو پسین (پایه + پیرو + پیرو + پیرو) ساخته شده‌اند.

علاقه‌ی سعدی به تقدم پایه بر پیرو در این بخش نیز دیده می‌شود؛ همچون بیت:

مترس از محبت که خاکت کند که باقی شوی گر هلاکت کند

(۱۹۰۱)

که «مترس از محبت» پایه و «که خاکت کند»، «که باقی شوی» و «گر هلاکت کند» پیرو هستند. یا بیت:

از آن همنشین تا توانی گریز که مر فتنه خفته را گفت خیز

(۳۰۸۶)

«از آن همنشین ... گریز» جمله پایه و «تا توانی»، «که مر فتنه خفته را گفت» و «خیز» جمله‌های پیرو هستند.

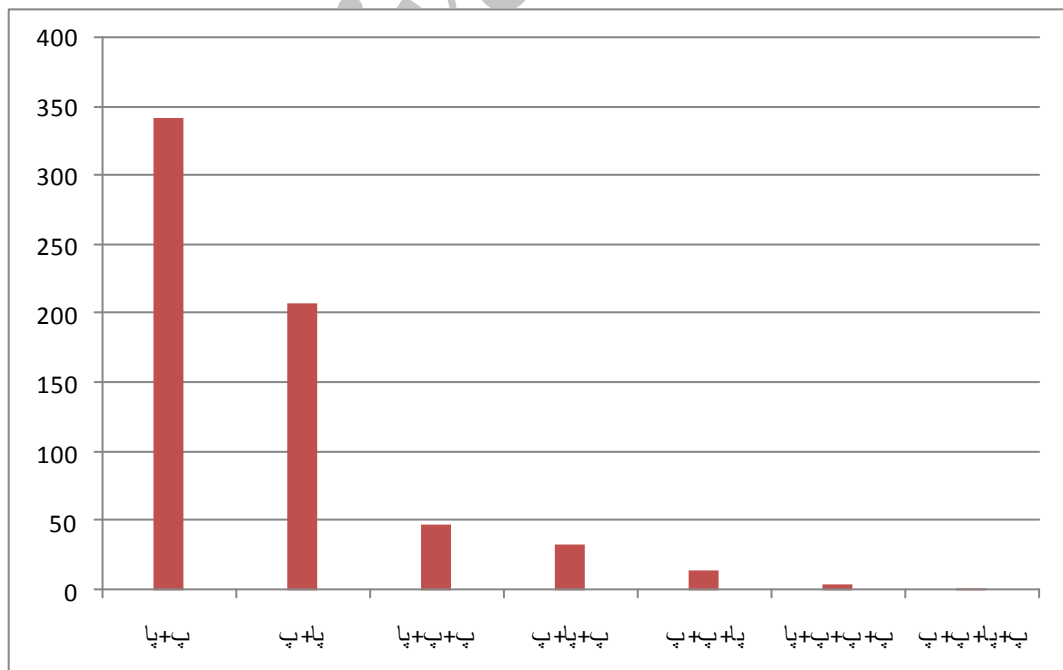
۲-۳-۱-۲- پایه همراه با دو پیرو پیشین و یک پیرو پسین (پیرو + پیرو + پایه + پیرو)

در قسمت‌های بررسی شده بوستان، یک مورد از این الگو یافت شده است که موقوف‌المعانی است.

اگر باد و برف است و باران و میغ اگر رعد چوگان زند، برق تیغ

همه کارداران فرمانبرند که تخم تو در خاک می پرورند

(۷ و ۳۳۷۶)



نمودار ۶. بسامد شکل‌های مختلف جمله‌های مرکب در بوستان

نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد که تعداد جمله‌های مرکب با یک پیرو از گونه‌های دیگر بیشتر است و تعداد جمله‌های مرکب

«پایه + پیرو» بسیار بیشتر از جمله‌های مرکب وابسته «پیرو + پایه» است.

پس از جمله‌های مرکب با یک پیرو، جمله‌های مرکبی که از دو پیرو تشکیل شده‌اند، دارای بیشترین بسامد در میان جمله‌های مرکب هستند. در این گونه جمله‌ها، آن‌هایی که پایه پیش از پیرو آمده است و طبق الگوی «پایه + پیرو + پیرو» ساخته شده‌اند، بیش از دو گونه دیگر است. پس از این گونه بیت‌ها، آن‌هایی که طبق الگوی «پیرو + پایه + پیرو» هستند از بیت‌های دیگر کاربرد بیشتری دارند. سرانجام، بیت‌هایی که مطابق با الگوی «پیرو + پیرو + پایه» هستند، کاربرد کمتری نسبت به دو الگوی پیشین دارد. به دلیل وزن عروضی بوستان که وزنی نسبتاً کوتاه است، جمله‌های مرکبی که از سه جمله پیرو همراه با پایه ساخته شده‌اند کمتر در بوستان دیده می‌شوند. از میان این گروه، آن‌هایی که جمله پایه بر پیرو مقدم شده است از نمونه‌های دیگر بیشتر است.

۲-۲- بیت‌های تشکیل شده از دو جمله مرکب

اگر در بیتی دو جمله مرکب وابسته به کار رود، بدین معناست که در آن بیت حداقل چهار جمله، دو پایه و دو پیرو، به کار رفته است. یکی از نشانه‌های اعجاز کلام سعدی، نشان دادن چهار جمله در یک بیت یازده هجایی است. اگرچه قرارداد چهار جمله‌واره در یک بیت، دشوار می‌نماید، شیخ سخنور چنان ماهرانه آن را به کار می‌برد که نه تنها از نظر نحوی و عروضی دچار کوچک‌ترین تعقید و لغزش نمی‌شود، بلکه چنان کلامش طبیعی و دلنشین می‌شود و همه‌پسند می‌افتد که هم‌چون بیت زیر به ضرب‌المثلی شیرین تبدیل می‌گردد.

ز دعوی پیری، زان تهی می‌روی / تهی آی تا پرمعانی شو
(۲۳۲۵)

در جامعه آماری ما، ۳۶ بیت وجود دارد که از دو جمله مرکب تشکیل شده است. چون تعداد جمله‌واره و فعل در این گونه بیت‌ها زیاد است، جابه‌جایی ارکان نحوی آنها ممکن است شعر را دچار تعقید و پرابهام کند؛ به همین دلیل از نظر نحوی، سعدی هر مصراع را جدا از یکدیگر قرار می‌دهد؛ به طوری که هیچ ارتباط نحوی میان دو مصراع وجود ندارد. وی هر مصراع را نیز به دو بخش مجزا تقسیم می‌نماید و در هر بخش یک جمله‌واره می‌نشانند. معمولاً در این بیت‌ها ارکان نحوی در جایگاه خود به کار می‌رود؛ مانند بیت:

اگر تاج بخشی سرافرازدم / تو بر دار تا کس نیندازدم
(۳۹۲۱)

مصراع اول، از یک جمله مرکب تشکیل شده است که «اگر تاج بخشی»، پیرو و «سرافرازدم»، جمله پایه است. همچنین در مصراع دوم، «تو بردار» پایه و «تا کس نیندازدم» جمله پیرو است.
یا:

تو را تیشه دادم که هیزم شکن / نگفتم که دیوار مسجد بکن
(۳۳۷۱)

از میان ۳۶ بیت مذکور، تنها در دو بیتزیر، این گونه نیست. بیت اول:

مکن تا توانی دل خلق ریش / وگر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش
(۲۲۴)

در بیت بالا ارکان نحوی جمله در جای تعریف‌شده خود قرار ندارند. در مصراع اول، فعل جمله پایه «ریش مکن» است که بخش صرفی این فعل مرکب مقدم بر ارکان دیگر جمله شده است و جمله پیرو میان جمله‌های پایه واقع شده است. بیت دوم:

چنین راه اگر مقبلی پیش گیر / شرف بایدت، دست درویش گیر
(۲۳۱۵)

«چنین راه» از ارکان جمله پایه هستند که از جایگاه اصلی خود جدا شده و پیش از جمله پیرو «اگر مقبلی» آمده‌اند.

جز این دو بیتی که این جا آورده شد، در مابقی بیت‌هایی که از دو جمله مرکب تشکیل شده‌اند، بین ارکان نحوی جمله پایه و پیرو تداخل دیده نمی‌شود؛ بدین شکل که جمله پیرو و پایه جدا از یکدیگر با مکثی، در یک مصراع به هم می‌پیوندند. در این گونه بیت‌ها معمولاً فعل حذف نمی‌شود و ایجاز اعجازگونه سعدی در این بیت‌ها خود را نشان می‌دهد؛ همچون دو بیت زیر:

گرم دست گیری به جایی رسم وگر بفکنی، برنگیرد کسم
که زور آورد گر تو یاری دهی که گیرد، چو تو رستگاری دهی
(۳۹۹۹ و ۴۰۰۰)

در ۱۱۰۰ بیت بررسی شده، بیتی که از بیش از دو جمله مرکب وابسته تشکیل شده باشد، یافت نشد.

۲-۳- جمله مرکب و جمله هم‌پایه در یک بیت

در کتاب دستور زبان فارسی انوری-گیوی که مبانی نظری این پژوهش از آن گرفته شده است، اشاره‌ای به جمله‌های مرکب هم‌پایه نشده بود؛ اما با توجه به کاربرد این گونه جمله‌ها در کنار جمله‌های مرکب در بوستان، به آثار دیگر دستورنویسان فرهیخته مراجعه شد.

جمله‌های مرکب هم‌پایه آن‌هایی هستند که جمله‌واره‌هایشان با هم رابطه همسانی دارند و با حروف ربط «و»، «یا»، «اما» و ... به هم پیوند می‌خورند (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۳۱).

در تکرار هم‌پایه، همه عناصر از نظر ساختمانی دارای ارزش مساوی هستند؛ یعنی همه هم‌پایه هستند؛ مانند: پسر زنبیل را برداشت و به راه افتاد (باطنی، ۱۳۸۹: ۶۴).

جمله مرکب هم‌پایه از بیش از یک جمله که به طور هم‌پایه و زنجیری به یکدیگر پیوند می‌یابند تشکیل می‌شوند؛ مانند: محمد نقاشی می‌کرد و روزبه بازی می‌کرد.

در این قسمت بیت‌هایی را که در آنها جمله مرکب در کنار جمله هم‌پایه آمده‌اند، بررسی خواهیم کرد؛ برای مثال، بیت:

غریبی که پر فتنه باشد سرش می‌آزار و بیرون کن از کشورش
(۲۷۲)

از یک جمله مرکب و یک جمله هم‌پایه تشکیل شده است. در مصراع اول جمله پیرو «غریبی که پر فتنه باشد سرش» آمده است. در مصراع دوم جمله پایه «می‌آزار» به کار رفته است. جمله «و بیرون کن از کشورش» با جمله پیشین خود جمله هم‌پایه تشکیل می‌دهد.

همچنین بیت:

اگر خشم گیری به قدر گناه به دوزخ فرست و ترازو مخواه
(۳۹۹۸)

یا:

زره‌پوش را چون تبرزین زدی گذر کردی از مرد و بر زین زدی
(۲۵۲۶)

۲-۴- جمله مرکب و شبه‌جمله در یک بیت

در تعریف شبه‌جمله آمده است: «کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست که غالباً برای بیان حالات عاطفی گوینده به کار می‌روند، مانند بیان حالت درد، تحسین، شادی، افسوس، تحذیر و مانند آن‌ها» (انوری، گیوی، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

در جامعه آماری ما ۶۶ بیت وجود داشت که جمله مرکب در کنار شبه‌جمله آمده بود. از این تعداد در ۷ بیت، جمله مرکب در کنار اصوات به کار رفته است؛ مانند:

که آوخ چرا حق نکردم به گوش
(۳۱۱۴)

که فردا پشیمان برآرد خروش

و در ۵۹ بیت در کنار منادا به کار رفته است؛ مانند:

که صورت نبندد در دیگرم
(۳۹۴۱)

خدایا به ذلت مــــران از درم

۲-۵-جمله مرکب و جمله ساده در یک بیت

جمله ساده جمله‌ای است که در آن تنها یک فعل به کار رفته باشد (انوری، گیوی، ۱۳۷۸: ۲۴۰).

در جامعه آماری ما، ۸۸ بیت وجود دارد که جمله مرکب در کنار جمله ساده آمده است.

برای اینکه بدانیم شیخ اجل جمله مرکب را چگونه در کنار جمله ساده آورده است، نخست این بیت‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

۲-۵-۱-بیت‌هایی که جمله مرکب در یک مصراع و جمله ساده در مصراع دیگر آمده است؛ مانند:

خردمنبد و پرهیزگارش برآر
گرش دوست داری، بنازش بر آر
(۳۱۵۹)

که مصراع اول، جمله ساده و مصراع دوم جمله مرکب «پایه + پیرو» است. همچنین در بیت:

بدی را نگه کن که بهتر کس است
گدا را ز شاه التفاتی بس است
(۳۹۳۹)

در مصراع اول این بیت یک جمله مرکب و در مصراع دوم آن یک جمله ساده آمده است.

نکته قابل تأمل در این گونه بیت‌ها این است که شیخ اجل، آن‌گاه که در بیتی جمله مرکب را در کنار جمله ساده می‌آورد، در بیشتر موارد در یک مصراع جمله ساده و در مصراع دیگر، جمله مرکب می‌نشانند. در میان ۸۸ بیتی که جمله بسیط و مرکب در یک بیت به کار رفته‌اند، ۸۴ بیت این‌گونه‌اند که در یک مصراع جمله ساده و در مصراع دیگر جمله مرکب به کار رفته است. این بیت‌ها را با توجه به جایگاه کاربرد جمله مرکب به دو گروه تقسیم کرده‌ایم:

۲-۵-۱-۱-بیت‌هایی که جمله بسیط در مصراع اول و جمله مرکب در مصراع دوم آمده‌اند؛ مانند این بیت:

تو خود را گمان کرده‌ای پرخرد
انائی که پر شد دگر چون برد
(۲۳۲۴)

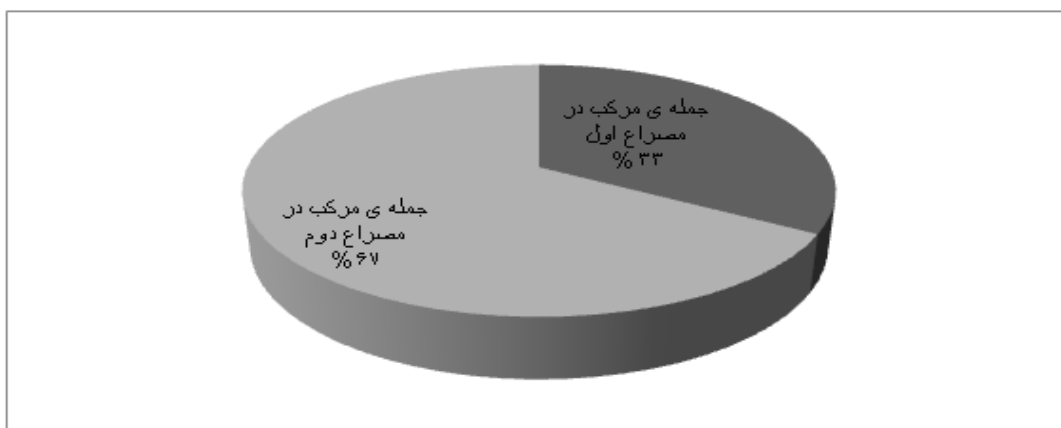
یا:

بران از دو سرچشمه دیده، جوی
ور آایشی داری از خود بشوی
(۳۷۵۰)

۲-۵-۱-۲-بیت‌هایی که جمله مرکب در مصراع اول و جمله ساده در مصراع دوم آمده است؛ مانند این بیت:

نگه دار فرصت، که عالم دمی است
دمی پیش دانا به از عالمی است
(۳۷۴۰)

تعداد بیت‌های گروه اول، یعنی بیت‌هایی که جمله مرکب در مصراع دوم آمده است، به میزان قابل توجهی از گروه دوم، یعنی بیت‌هایی که جمله مرکب در مصراع اول آمده، بیشتر است. از ۸۴ بیت یادشده، ۲۸ بیت در گروه اول و ۵۶ بیت در گروه دوم قرار می‌گیرند. این تفاوت فاحش در میزان کاربرد این دو گروه، معنادار است.



نمودار (۷) نمودار مقایسه فراوانی جمله مرکب در مصراع اول با جمله مرکب در مصراع دوم

۲-۵-۲- بیت هایی که ارکان نحوی جمله مرکب و جمله ساده در کنار هم در یک مصراع آمده اند؛ مانند:

گدایان به سعی تو هرگز قوی نگردند، ترسم تو لاغر شوی
(۱۲۲۰)

بیت بالا با یک جمله ساده شروع شده است ولی فعل آن در مصراع دوم در کنار جمله مرکب آمده است. یا بیت:
گروهی بر آن اند از اهل سخن که حاتم اصم بود، باور مکن
(۲۳۵۱)

که جمله مرکبی که از مصراع اول شروع شده است، در مصراع دوم خاتمه یافته و بخشی از جمله مرکب همراه با جمله ساده در مصراع دوم آمده است؛ به بیانی دیگر، جمله ای که در مصراع اول شروع شده در همان مصراع به پایان نرسیده است یا بخشی از جمله مرکب در مصراع دوم در مصراع اول آمده است. همان گونه که پیش از این نشان داده شد، در بوستان، آن گاه که جمله ساده و مرکب در یک بیت می آیند، در بیشتر موارد، جمله ساده در یک مصراع و جمله مرکب در مصراع دیگر جای می نشینند و به ندرت بیت هایی وجود دارد که در یک مصراع بخشی از یک جمله ساده در کنار جمله مرکب بیاید. در بخش های بررسی شده بوستان، تنها ۴ بیت این گونه بودند.

۳- نقش های جمله پیرو

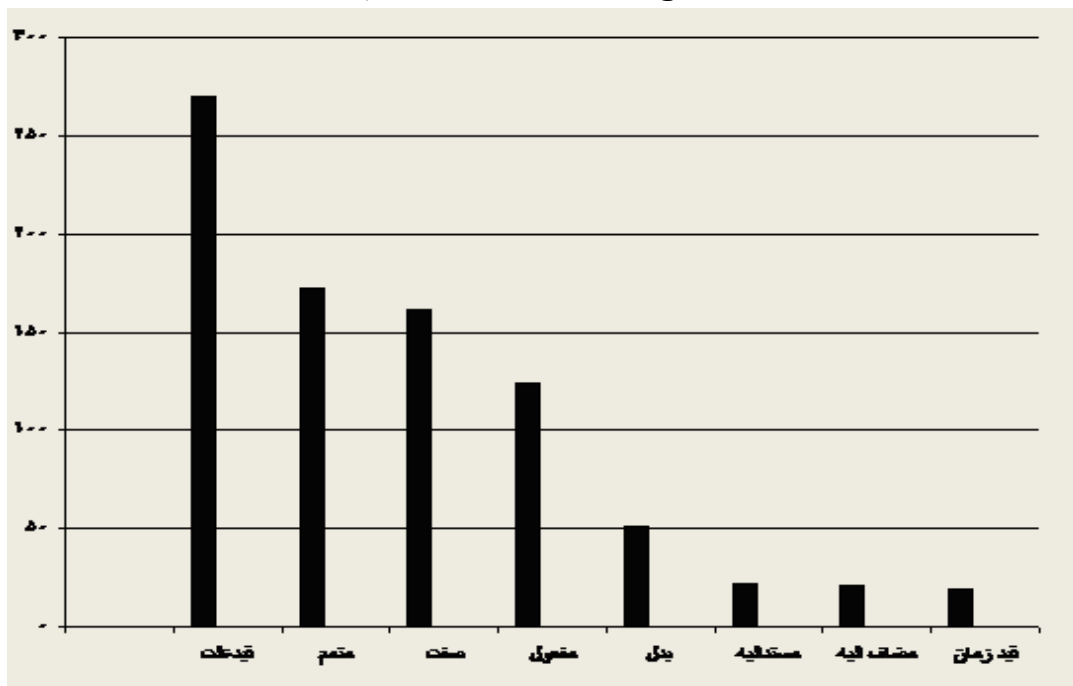
جمله پیرو از نظر معنایی در حکم یکی از کلمات یا گروه های داخل جمله مرکب یا جمله پایه است؛ مثلاً در حکم اسم یا صفت یا قید یا گروه اسمی یا گروه وصفی یا گروه قیدی است. فی المثل «مردی که می خندد، اینجاست». جمله مرکبی است که در آن «می خندید» جمله پیرو است و در حکم صفت برای «مردی» است و به جای آن می توان گفت: «آن مرد خندان اینجاست» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۹۶).

جمله های پیروی که در حکم اسم یا گروه اسمی هستند، در جمله پایه، نقش های اسم از قبیل فاعل، مفعول، بدل، مضاف الیه، متمم، مسند الیه و مسند می پذیرند.

در این بخش، بیت هایی را که در آنها جمله مرکب به کار رفته است، بررسی کردیم تا مشخص شود که در بوستان جمله های پیرو بیشتر در جایگاه کدام نقش نحوی جمله پیرو به کار رفته اند؛ برای مثال، در بیت:

گلی را که نه رنگ باشد نه بوی غریب است سودای بلبل بر او
(۱۸۲۲)

جمله «نه رنگ باشد نه بوی» پیرو است و به صفت تأویل می‌شود؛ یعنی گل رنگ و بوی ندارند (بی‌رنگ و بوی). پس از بررسی و تأویل جمله‌های پیرو به مفرد، نتایج را در جدول زیر نشان داده‌ایم:



نمودار (۸) نقش‌های جمله پیرو در بوستان

در جامعه آماری ما، ۸۲۴ جمله پیرو وجود داشت. جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که بیشترین جمله‌های پیرو در نقش قیدی به کار رفته‌اند. سپس، متمم و پس از آن، صفت بیشترین نقش را در جمله پایه دارند. ایند صورتی است که هیچ جمله پایه‌ای در نقش فعلی یا مسندی به کار نرفته است. اینک به بررسی یکایک جایگاه نحوی جمله‌های پیرو می‌پردازیم.

۳-۱- قید علت

سعدی روان‌شناسی خبره است. این را از ساختار جمله‌ها و نحوه بیان اندیشه‌هایش نیز می‌توان فهمید. وی سخنوری است که از کُنه لغات و ترکیبات آگاهی کافی دارد؛ می‌داند که در موقعیت‌های گوناگون از چه نوع ترکیب کلامی بهره بگیرد و اندیشه‌های خود را در قالب چه نوع جمله‌ای بریزد که بیشترین تأثیر را بر خواننده و شنونده بگذارد؛ به همین دلیل، از راه‌های متعددی برای اقناع مخاطبان و کارگر افتادن کلام خویش بهره می‌جوید؛ چون به فراست دریافته است که سخن هرچه مدلل‌تر باشد، خواننده را بیشتر تسلیم اندیشه خود می‌کند. یکی از راه‌هایی که سعدی در بوستان برمی‌گزیند، استفاده گسترده از قیدهای علت است و در بیشتر موارد، این قیدها به شکل جمله پیرو آمده‌اند. شاید بتوان گفت یکی از ویژگی‌های سبکی سعدی در بوستان، کاربرد قید علت به صورت جمله پیرو است. تعداد جمله‌های پیروی که نقش قید علت در جمله پایه دارند، از دیگر نقش‌های نحوی بیشتر است. در میان ۸۴۲ جمله پیرو، ۲۷۰ جمله، در نقش قید علت آمده‌اند که نسبت کاربرد آنها در همه باب‌های بوستان تقریباً یکسان است؛ مانند:

ز رحمت دل پارسا موم شد که شب دزد بیچاره محروم شد

(۲۳۷۱)

یعنی به علت محروم شدن دزد بیچاره، دل پارسا ز رحمت موم شد.

همچنین در بیت:

همه وقت بردار مَشک و سبوی که پیوسته در ده روان نیست جوی
(۱۲۱۱)

یعنی به علت پیوسته روان نبودن جوی در ده، همه وقت مَشک و سبو بردار.

۲-۳- متمم

پس از قید علت، بیشترین نقش جمله پیرو، نقش متممی است. از میان ۸۴۲ جمله پیرو، ۱۷۳ جمله در جایگاه متمم به کار رفته است؛ مانند بیت:

چو نرمی کنی خصم گردد دلیر و گر خشم گیری شوند از تو سیر
(۲۹۲)

در مصراع اول، جمله پیرو «چو نرمی کنی» که به «با نرمی کردن» تأویل می‌شود و متمم جمله پایه است. در مصراع دوم نیز «و گر خشمگیری» همین نقش را دارد؛ و به «با خشم گرفتن» تأویل می‌شود و متمم جمله پایه «ز تو سیر می‌شوند» است.

۳-۳- صفت

پس از قید و متمم، بیشترین جمله‌های پیرو در جایگاه صفت به کار رفته است؛ مانند:

زیان می‌کنند مرد تفسیر دان که علم و ادب می‌فروشد به نان
(۱۱۸۰)

که مصراع دوم، صفت برای «مرد» است؛ یعنی مرد تفسیردان علم و ادب به نان فروشنده زیان می‌کند. از میان بیت‌های بررسی شده ۱۶۲ مورد از جمله پیرو در نقش صفت برای جمله پایه به کار رفته است.

۴-۳- مفعول

هر سه نقشی که پیش از این بررسی شد، از ارکان غیراصلی جمله بودند. مفعول اولین رکن اصلی جمله است که بررسی می‌شود. در میان ۸۴۲ جمله پیرو، ۱۲۴ جمله در نقش مفعول به کار رفته‌اند؛ مانند بیت:

گمان کی برد مردم هوشمند که در سرگرانی است قدر بلند؟
(۲۰۱۱)

مصراع دوم مفعول جمله است. «بودن قدر بلند در سرگرانی» مفعول فعل «گمان بردن» است.

۵-۳- بدل

در بیت‌های بررسی شده بوستان، ۵۱ جمله پیرو در نقش بدل برای جمله پایه به کار رفته‌اند؛ مانند:

تو را با حق آن آشنایی دهد که از دست خویشت رهایی دهد
(۱۹۰۳)

مصراع دوم، پیرو و در نقش بدل برای فاعل (آن) آمده است.

۶-۳- مسندالیه

از ۸۴۲ جمله پیرو، ۲۲ جمله در نقش مسندالیه به کار رفته است؛ مانند بیت:

نه از معرفت باشد و عقل و رای که بر ره کند کاروانی سرای
(۲۸۲۷)

مصراع دوم یک جمله پیرو است و در جایگاه مسندالیه قرار دارد؛ یعنی سرای کردن کاروان بر ره، از معرفت و عقل و رای نباشد.

۳-۷- مضاف‌الیه

در جامعه آماری این پژوهش، فقط ۲۱ جمله پیرو وجود دارد که در جایگاه مضاف‌الیه به کار رفته است. مانند بیت:

تو هم با من از سر بنه خوی زشت که ناسازگاری کنی در بهشت
(۲۳۱۳)

«ناسازگاری کنی در بهشت» به مصدر تأویل می‌شود و در جایگاه مضاف‌الیه برای مفعول «خوی» به کار رفته است؛ یعنی خوی زشت ناسازگاری کردن در بهشت را از سر بنه.

۳-۸- قید زمان

در بیت‌های بررسی شده، ۱۹ جمله پیرو وجود داشت که در جایگاه قید زمان به کار رفته بود.

تو را تا دهن باشد از حرص باز نیاید به گوش دل از غیب راز
(۱۸۳۴)

عبارت «تا دهن باشد از حرص باز» قید زمان است برای مصراع دوم؛ یعنی تا زمان باز بودن دهن تو از حرص، رازی از غیب به گوش دلت نیاید.

پس از تأویل جمله‌های پیرو و تعیین نقش نحوی آن‌ها، دریافتیم که تعداد زیادی از این جمله‌ها در نقش قید علت، متمم و صفت به کار رفته‌اند که همگی نقش‌های وابسته یا فرعی هستند و تعداد کمی از آنها در نقش اصلی جمله مانند: فاعل، مفعول، مسند‌الیه و مسند آمده‌اند. این نکته در بوستان تصادفی نیست؛ مانند این بیت:

بر مرد هشیار، دنیا خس است که هر مدتی جای دیگر کس است
(۸۲۳)

که از یک جمله مرکب تشکیل شده است. مصراع اول از یک جمله پایه تشکیل شده است و اجزای اصلی آن «مسند‌الیه، مسند و فعل ربطی» به شکل مفرد در جمله وجود دارد. مصراع دوم، جمله پیرو و قید علت و در حقیقت رکن غیراصلی جمله است که بدون آن نیز ارکان جمله پایه کامل است. در نمودار زیر، بسامد جمله‌های پیرو را که در نقش اصلی آمده‌اند، با آن‌هایی که در نقش غیراصلی آمده‌اند، مقایسه کرده‌ایم:



نمودار (۹) مقایسه فراوانی نقش‌های اصلی با نقش‌های وابسته جمله‌واره‌های پیرو

با تأمل در این نمودار می‌توان پی برد که یکی از ویژگی‌های جمله پیرو در بوستان این است که در حکم نقش غیراصلی جمله‌ها به کار رفته است.

یه بیانی دیگر، سعدی ابتدا ارکان اصلی جمله را می‌آورد، و جمله را از نظر نحوی کامل می‌کند. آنگاه اجزای غیراصلی جمله را به شکل جمله پیرو به کار می‌برد. از میان ۸۴۲ جمله پیرو، ۱۴۶ جمله در نقش اصلی و ۶۹۶ جمله در نقش غیراصلی به کار رفته‌اند؛ یعنی ۸۳ درصد از کل جمله‌ها در نقش‌های غیراصلی و تنها ۱۷ درصد از آنها در نقش اصلی جمله پایه به کار رفته‌اند.

نتیجه

بی‌تردید بخش بزرگی از دل‌انگیزی‌های سخن سعدی به شیوه زبان و نحوه بیان وی مربوط است. سعدی پژوهان اغلب از ظرافت‌های زبان سعدی با بیان‌هایی هم‌چون فصیح و بلیغ، سهل‌ممتنع، شیوا و... یاد کرده‌اند؛ اما بسیاری از رمز و رازهای زیبایی و دل‌انگیزی این زبان هم‌چنان پوشیده مانده است. به نظر می‌رسد هیچ راهی جز تحلیل ریزبینانه و جزئی‌نگرانه زبان وی در برابرمان نباشد؛ بر همین بنیاد، نگارنده بر آن شد تا به نسبت توان خویش در این حوزه وارد شود؛ به همین سبب در این پژوهش، بوستان شیخ اجل را از دیدگاه جمله‌های مرکب بررسی نمودیم تا دریابیم که نحوه کاربرد آنها در این کتاب که از امهات کتب فارسی است، چگونه است و آیا می‌توانیم از این طریق رمزی بکشاییم؟

به هر حال تلاش فراوانی در این راه صرف شد و پس از مطالعه‌ی کتاب‌های متعدد دستوری و بلاغی، مبانی مقدماتی این تحقیق فراهم آمد. پس از آن، ۱۱۰۰ بیت از را برگزیدیم و با بررسی ریزبینانه آنها، به نتایج قابل توجهی دست یافتیم که به مهم‌ترین آنها در زیر اشاره می‌شود:

- در بوستان دو شکل متفاوت از زبان دیده می‌شود: یکی زبان مقدمه و پیش‌درآمد باب‌هاست؛ و دو دیگر زبان حکایت‌ها و داستان‌ها. کارکرد جمله‌ها نیز در این دو قسمت با توجه به مضمون‌ها متفاوت است.

- نکته بسیار مهمی که در سراسر بوستان دیده می‌شود، این است که سعدی واحد کلام را مصراع قرار می‌دهد نه بیت را. وی سعی دارد هر مصراع حاوی یک جمله (پایه یا پیرو) باشد. در بیش‌تر موارد این جمله‌ها با آغاز مصراع شروع می‌شوند و با پایان مصراع خاتمه می‌یابند.

- از میان جمله‌های مرکب، آن‌هایی که از یک پایه و یک پیرو تشکیل شده‌اند از بسامد بسیار بیش‌تری برخوردارند. در ۹۵ درصد از این بیت‌ها، جمله پایه در یک مصراع و جمله پیرو در مصراع دیگر آمده‌اند.

- کاربرد جمله‌های مرکب وابسته در بوستان بسیار بیش‌تر از جمله‌های دیگر بود. ۶۰ درصد از ابیات بوستان تنها از یک جمله‌ی مرکب تشکیل شده بود.

- در بیش‌تر جمله‌های مرکب در بوستان، جمله پایه پیش از جمله پیرو آمده بود. از این میان ۶۲/۲ درصد (پایه + پیرو) و ۳۷/۸ درصد (پیرو + پایه) است. این نوع کاربرد از نظر روانشناسی تأثیر بیش‌تر و مثبت‌تری بر خواننده می‌گذارد.

- با تأمل در نقش‌های جمله‌های پیرو معلوم شد که شیخ اجل معمولاً ارکان غیر اصلی جمله مانند قید، صفت، متمم و... را به شکل جمله پیرو به کار می‌برد و تعداد جمله‌های پیروی که در نقش اصلی به کار رفته‌اند بسیار کمتر است. سعدی نخست ارکان اصلی کلام را می‌آورد و جمله را کامل می‌کند و پس از آن، اجزای غیر اصلی را به شکل جمله پیرو ذکر می‌کند؛ تقریباً ۸۳ درصد از کل جمله‌های پیرو در نقش غیر اصلی و ۱۷ درصد در نقش اصلی به کار رفته‌اند.

- سعدی هنگامی که در بیتی جمله ساده را در کنار جمله مرکب به کار می‌برد، در بیش از ۹۵ درصد از این بیت‌ها، در یک مصراع جمله ساده و در مصراع دیگر جمله مرکب می‌نشانند.

- در بیت‌هایی که از دو جمله مرکب تشکیل شده‌اند چون تعداد جمله و فعل در این گونه بیت‌ها زیاد است و جابه‌جایی ارکان نحوی در این گونه بیت‌ها ممکن است شعر را دچار تعقید و پرابهام کند؛ برای جلوگیری از ابهام، سعدی هر مصراع را جدا از یکدیگر قرار می‌دهد به طوری که هیچ ارتباط نحوی میان دو مصراع وجود ندارد. وی هر مصراع را نیز به دو بخش مجزا تقسیم

می‌نماید و در هر بخش یک جمله پایه و پیرو قرار می‌دهد. معمولاً در این بیت‌ها ارکان نحوی در جایگاه اصلی خود به کار می‌رود.

- در مقدمه و پیش‌درآمد باب‌ها فراوانی جمله‌های مرکب کمتر ولی در حکایت‌ها بیش‌تر است.
 - نتایج پژوهش نشان‌گر آن است که سعدی در به‌کاربردن جمله‌های مرکب که ترکیبی از جمله‌های کوتاه پایه و پیرو می‌باشند مهارت شگرفی دارد و آمار نشان می‌دهد که در این جامعه آماری ۶۵۵ بیت که تقریباً ۶۰ درصد از جامعه آماری ماست، دارای چنین ساختارهایی هستند. این‌گونه ساختارها به نظر می‌رسد در گزارش دقیق مطلب و سادگی بیان موثر افتاده‌اند.
 این بود نتایجی که ما در بررسی کارکردهای جمله‌های مرکب در این اثر سترگ بدان دست یافتیم هرچند درک و شناخت زبان سهل‌ممتنع این سخن‌سرای بی‌بدیل کاری بس دشوار است، مگر آنکه ذوق لطیف فارسی‌زبانان، سحر بیانش را آن‌چنان‌که هست در یابد و خود در دل او را تحسین نماید.

منابع

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹). روزها، چ ۳، تهران: یزدان.
۲. انوری، حسن و گیوی، حسن (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (۲)، چ ۹، تهران: فاطمی.
۳. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۹). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چ ۲۲، تهران: امیرکبیر.
۴. خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی، چ ۱۴، تبریز: ستوده.
۵. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲). بوستان سعدی، چ ۴، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۶. _____ (۱۳۷۹). کلیات، چ ۹، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: نشر محمد.
۷. شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۲). از دیروز تا امروز، چ ۱، تهران: قطره.
۸. عابدی، کامیار (۱۳۹۱). جدال با سعدی در عصر تجدد، چ ۱، شیراز: دانشنامه فارس با همکاری مرکز سعدی‌شناسی.
۹. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). دستور مفصل زبان فارسی، چ ۱، تهران: سخن.
۱۰. _____ (۱۳۷۸). جمله و تحول آن در زبان فارسی، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
۱۱. مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۶۶). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، چ ۱، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۲. یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران: علمی.